

پلی به نامعلوم

دری به ناممکن

دسته بندی موضوعی بخشی از آثار و اندیشه های حسین پناهی (۱۳۸۳-۱۳۳۵)

ویراست دوم

گردآورنده:

دکتر حسن رضا رفیعی

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین



نشر آناپنا

مشرئاسه : پناهى، حسين، ١٣٣٥ - ١٣٨٣.

Panahi, Hossein

عنوان و نام پديدآور: پلى به نامعلوم درى به ناممكن: دسته‌بندى موضوعى بخشى از آثار و انديشه‌هاى حسين پناهى
(١٣٣٥-١٣٨٣) / گردآورنده: حسن رضا رفيعى.

وضعيت ويراست: ويراست ٢.

مشخصات نشر: تهران: آناپنا، ١٤٠١.

شابك: ٩٧٨-٦٢٢-٦٣٨٨-٦٦-٥

وضعيت فهرست‌نويسى: فبيا

يادداشت: چاپ دوم.

يادداشت: كتابنامه: ص ٦٣٥-٦٣٦.

عنوانى ديگر: دسته‌بندى موضوعى بخشى از آثار و انديشه‌هاى حسين پناهى (١٣٣٥ - ١٣٨٣).

موضوع: پناهى، حسين، ١٣٣٥ - ١٣٨٣ -- كلمات قصار

موضوع: كلمات قصار فارسى

موضوع: Quotations, Persian

شناسه افزوده: رفيعى، حسن رضا، ١٣٤٠- گردآورنده.

شناسه افزوده: Rafiei, Hassan-Reza

رده‌بندى كنگره: PIRV٩٩٢

رده‌بندى ديويى: ٨٢٨/٧٦٢

شماره كتابشناسى ملي: ٨٨١٣٣٩٢

اطلاعات ركوردشناسى: فبيا.



نشر آناپنا

پلى به نامعلوم

درى به ناممكن

دسته‌بندى موضوعى بخشى از آثار و انديشه‌هاى حسين پناهى (١٣٣٥-١٣٨٣)

ويراست دوم

دكتور حسن رضا رفيعى

امور هنرى: مؤسسه گل بى‌منت بارون

صفحه‌آرا: حسن موسوى

طراح جلد: محمدرضا چشمه

شمارگان: ٢٥٥ جلد

چاپ اول: بهار ١٣٩٨

چاپ دوم: بهار ١٤٠١

چاپ: مهرگان

شابك: ٩٧٨-٦٢٢-٦٣٨٨-٦٦-٥

دويست و بيست هزار تومان

همه حقوق براى ناشر محفوظ است

نشانى: تهران/ خيابان آزادى/ ابتداى خوش شمالى/ پلاك ٩/ طبقه ١/ واحد ٥

تلفن: ٠٢١٦٦٤٣٣١٣١/ ٠٩٢١٣٢٥٢٨٥٨/ ٠٩٢١٣٢٥٢٨٥٨/ ٠٩١٢٥٢٢٢٨٥٨

ايميل: anapananashr@gmail.com

اينستاگرام: @anapanabook

وبسايه: www.anapana.ir

فهرست

مقدمه بر ویرایش دوم.....	۹
پیشگفتار چاپ اول.....	۱۷
آغاز و انجام تقویمی حسین پناهی.....	۲۵
۱. پناهی از زبان خودش.....	۳۱
۲. عشق و دوست داشتن.....	۵۳
۳. مرگ و مرگ اندیشی.....	۸۷
۴. زندگی و تلاش.....	۱۵۹
۵. پرسش و پرسشگری.....	۱۲۷
۶. انسان و انسانیت.....	۱۴۹
۷. هذیان و حقیقت.....	۱۶۷
۸. هنر و هنرمند.....	۱۹۳
۹. خدا.....	۲۵۳
۱۰. زن و مادر.....	۲۱۷
۱۱. واقعیت.....	۲۳۱
۱۲. امید و امیدواری.....	۲۳۷
۱۳. مشکلات و محدودیت‌ها.....	۲۴۷
۱۴. شعر و شاعری.....	۲۵۹

۲۷۱.....	۱۵. حیوان‌ها
۳۰۳.....	۱۶. دانستن و ندانستن
۳۲۱.....	۱۷. طبیعت
۳۳۵.....	۱۸. تجربه
۳۴۱.....	۱۹. دردهای اجتماعی
۳۵۱.....	۲۰. بازی و بازیگری
۳۵۹.....	۲۱. کودکی و کودگانه زیستن
۳۶۷.....	۲۲. نویسندگی و نویسندگان
۳۷۷.....	۲۳. استقلال و خودباوری
۳۸۳.....	۲۴. سینما، تئاتر و تلویزیون
۳۹۱.....	۲۵. فلسفه و حکمت
۴۰۵.....	۲۶. هستی و بودن
۴۱۱.....	۲۷. اخلاق و بداخلاقی
۴۱۷.....	۲۸. ظرفیت‌ها و فرصت‌ها
۴۲۷.....	۲۹. وطن‌پرستی
۴۳۵.....	۳۰. خوشبختی
۴۴۱.....	۳۱. گل‌ها و گیاهان
۴۴۹.....	۳۲. بی‌خیالی و غفلت
۴۵۵.....	۳۳. غربت و دوری
۴۶۳.....	۳۴. خاطرات
۴۸۱.....	۳۵. سادگی و صداقت
۴۸۵.....	۳۶. پویایی و حرکت
۴۹۳.....	۳۷. احساس گناه

۴۹۹		۳۸. آنا دختر حسین پناهی
۵۰۹		۳۹. زمان
۵۲۱		۴۰. مراقبت
۵۲۷		۴۱. نادانی و جهل
۵۳۱		۴۲. ثبات و پایداری
۵۳۵		۴۳. چیزهای بی‌جان
۵۳۹		۴۴. زیبایی
۵۴۱		۴۵. ایمان و باور
۵۴۵		۴۶. غرب و غریبان
۵۴۹		۴۷. تنهایی
۵۵۵		۴۸. طنز و شوخی
۵۵۹		۴۹. حرص و طمع
۵۶۳		۵۰. رنگ‌ها
۵۶۵		۵۱. شکیبایی
۵۶۷		۵۲. نفرت و بیزاری
۵۷۱		۵۳. فراموشی
۵۷۳		۵۴. نیاز و نیازمندی
۵۷۵		۵۵. شکل‌های هندسی
۵۷۷		۵۶. انتظار
۵۸۱		۵۷. آغاز و انجام
۵۸۳		۵۸. چشم
۵۸۹		۵۹. سلام
۵۹۳		۶۰. خودخواهی

۵۹۷.....	۶۱. شادی و طرب.....
۶۰۱.....	۶۲. روشنائی.....
۶۰۳.....	۶۳. پدر و پسر.....
۶۰۷.....	۶۴. ورزش.....
۶۱۱.....	۶۵. خواب و خیال.....
۶۱۷.....	۶۶. ترس و اضطراب.....
۶۲۵.....	۶۷. راز و سرّ و معقّا.....
۶۲۹.....	۶۸. جوانی.....
۶۳۱.....	۶۹. مردم دوستی.....
۶۳۳.....	۷۰. فضیلت.....
۶۳۵.....	منابع و مأخذ.....

مقدمه بر ویرایش دوم

در یکی از آخرین روزهای سی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در اردیبهشت ۱۳۹۸ به غرفه انتشارات آناپنا در مصلاي امام خميني رفتم. بانویی آن‌سوی پیشخوان غرفه بود. پرسیدم: «خانم بالأخره پلی به نامعلوم دری به ناممکن که قرار بود منتشر شود» گفت: «بله، بله، استقبال خوبی هم از آن شده است». پیش از آن یکی دو بار دیگر به این غرفه سرزده بودم و برادر دکتر سید صاحب موسوی داماد شادروان حسین پناهی گفته بود که کتاب زیر چاپ است. نگاهی به خانم حاضر در غرفه کردم و گفتم: «شما آنا خانم هستید؟» ایشان هم ضمن تأیید مرا شناخت و گفت: «شما هم آقای دکتر رفیعی هستید!!» و مرا به داخل غرفه دعوت و با قهوه پذیرایی کرد. چقدر خوشحال شدم که دختر فرهنگ دوست پناهی را از نزدیک دیدم و ایشان هم به خاطر تدوین چنین اثری از میان آثار بازمانده از پدرش از من تشکر کرد. آنا گفت که همه مطالب کتاب را با دقت خوانده است. او گفت: «چند شعری که از آثار پناهی استخراج و به نام وی ثبت‌شده است از ایشان نبود و پدر آن‌ها را از آثار دیگران نقل کرده بود. من در متن توضیح داده‌ام که اصل این شعرها از کیست».

من هم به خاطر این دقت نظر و امانت‌داری از ایشان و همسرشان جناب آقای موسوی که به‌جد به دنبال چاپ این اثر بودند، سپاسگزاری کردم. در مورد عکس روی جلد، آنا گفت: «همسرم برای درج عکس

بر روی کتاب شما مانده بود و من عکسی را از پدرم که در کیف داشتم و در جایی چاپ نشده بود، به او دادم. قسمت بود که این عکس روی جلد این کتاب چاپ شود».

نگاه پناهی در این تصویر منعکس کننده معصومیت خاص چهره ایشان در نگرش اندیشمندانه و همراه با تأمل به جهان هستی است. به دختر پناهی گفتم هنوز کار من در مورد پدر شما تمام نشده است. کار پژوهشی دیگری در دست اقدام دارم که بخشی از آن انجام شده و بخشی از آن باید انجام شود و به آقای موسوی (همسر وی) قول داده‌ام که آن را برای ارائه در نمایشگاه کتاب آینده آماده‌سازی کنم. آنا می‌خواست چهار پنج نسخه موجود از کتاب چاپ شده پلی به نامعلوم دری به ناممکن را به من هدیه بدهد که دو جلد از آن‌ها را برداشتم و بقیه را بازگرداندم تا دست آن‌ها برای ارائه اثر به علاقه‌مندان پرتعداد پناهی خالی نباشد. در خانه با مروری بر کلیات کار چاپ شده مشخص شد که از نظر طراحی جلد، صفحه‌آرایی و آراستگی خط و نوع کاغذ، با کمبود زمان و عجله برای رسیدن کتاب به نمایشگاه سی و دوم تلاش درخور تقدیری شده است که بلافاصله مراتب سپاس خود را از دکتر موسوی و سایر دست‌اندرکاران چاپ اثر اعلام داشتم.

متعاقب آن و در مروری روزنامه‌ای بر مطالب پیشگفتار و زندگینامه پناهی مشخص شد که در چندین مورد اشکال‌های تایپی و ویرایشی وجود دارد. همین قضیه موجب شد تا مطالعه دقیق کل کتاب در دستور کار نویسنده این مقدمه قرار گیرد. تعجیل در چاپ برای رساندن کتاب به نمایشگاه و غفلت از بازنگری دقیق نسخه پیش از چاپ (اوزالید) توسط گردآورنده موجب بروز چندین اشکال اساسی شده بود.

اگرچه ممکن بود چنین اشکال‌هایی توسط افراد غیرحرفه‌ای دیده

نشود یا از آن چشم‌پوشی کنند ولی از دید من تدوین‌کننده و حتی خود ناشر قابل نادیده گرفتن نبودند. موضوع با آقای موسوی در میان گذاشته شد و ایشان نیز ضمن استقبال از بازبینی و ویرایش دقیق اثر خواست که اشکالات موجود برطرف شود تا در چاپ دوم، کتابی بدون عیب به دست علاقه‌مندان برسد. در مطالعه‌ای دقیق، همه اشکال‌های موجود بازبینی و در متن کتاب چاپی اصلاح شد و به ناشر بازگردانده شد تا آن‌ها را در چاپ دوم برطرف کند.

برای تدوین اثری با نام: کسی که خودش بود مثل هیچ‌کس نبود، که قرار بود در مورد ویژگی‌های شخصیتی و هنری حسین پناهی نوشته شود، نگارنده مجبور بود تا هر یک از آثار چاپی ایشان را یک بار، دو بار و حتی چند بار مرور نماید تا نسبت به ویژگی‌های معنایی و هنرهای کلامی موجود دو گفته‌های او ریز و دقیق شود. در این بازخوانی‌های همراه با دقت و بهر، مشاهده شد که بخش‌های قابل توجهی از عبارت‌های پیام‌دار پناهی، حتی زیباتر از آنچه که پیش از این انتخاب و چاپ شده بود، مورد غفلت واقع شده و استخراج و تدوین نشده‌اند.

از آقای موسوی درخواست شد تا نسخه به اصطلاح اصلاح‌شده را برای اضافه کردن مطالب بازبینی شده جدید بازگرداند. نخست تصمیم بر این بود که پیام‌های انتخاب شده، که تعدادشان از نظر موضوعی به هفتاد عنوان رسیده بود، به دو بخش تقسیم و در دو جلد منتشر شوند. نام جلد دوم قرار بود در *خرابات شعور* باشد. در همفکری‌های بعدی، نظر آنا خانم و همسرش آقای موسوی آن بود که پلی به نام *علوم دری* به ناممکن در میان اهل فرهنگ جا افتاده است و تبدیل آن به دو کتاب ضرورتی ندارد. نگارنده نیز به این نظر احترام گذاشت و از انتشار آن در

دو جلد چشم پوشید.

همان گونه که فرهیختگان آگاهی دارند: خرابات واقعی جایی مفسده انگیز و محل کارهای خلاف شعور انسانی است. برعکس خرابات اصطلاحی که مورد استفاده اهل عرفان است، محل کسب و درک شعور و معرفت و آگاهی از اسرار الهی است. حافظ در این زمینه می گوید:

«در خرابات مغان نور خدا می بینم این عجب بین که چه نوری ز کجا می بینم»

گردآورنده، پناهی را رندی قلندروار و دارای بینشی جهان شناسانه و انسان شناسانه و دارای روحیه ای زلال و عاطفی و لطیف و بری از تعلقات دنیوی و همراه با رنگ و لعاب معنوی می داند که گوش های شنوا به دنبال شنیدن پیام های او هستند. به عبارتی او به دنبال آن نیست که پیامش را به گوش دیگران برساند بلکه می خواهد تا آنکه به گوش شنیده شود. چون وی از خراباتیان اهل شعور است، به تعبیر خود او:

«بس کن ای دل! که در این بزم خرابات شعور/ هر کس از شعور تو دارد به بغل دیوانی»
(افلاطون کنار بخاری، ۱۳۹۱: ۳۶)

و اینک اثر تقدیمی یک بغل از پیام های خیال انگیز و شاعرانه پناهی است که به علاقه مندان او هدیه می شود. به هر تقدیر زحماتی که منجر به تولید این اثر برگزیده از آثار حسین پناهی شد حاصل بخشی مفید از عمر گردآورنده و همراه با عشق و شیفتگی و کاری کاملاً دلی است. باوجوداین، باز هم اذعان دارد که حق حسین پناهی آن گونه که شایسته و بایسته وجود ظریف و بلوری اوست هنوز ادا نشده است و ظرفیت تولید کارهای جدیدتر در این زمینه وجود دارد. به بیان دیگر: این کاری است که توانسته ایم انجام دهیم نه واقعاً آن چیزی است که خواسته ایم. در پایان چند نکته قابل یادآوری است:

(۱) بازنگری دقیق در کار چاپ شده، موجب تألیف کاری جدیدی

با عنوان *هزار پولک بلور* در مورد زیبایی‌های ظاهری و باطنی میراث شعری پناهی شد که همراه با همین اثر به چاپ می‌رسد. باز هم تألیف و انتشار کتاب کسی که خودش بود مثل هیچ کس نبود؛ به تأخیر افتاد و اگر عمری باشد متعاقباً مطالب گردآوری شده در این زمینه تدوین و به علاقه‌مندان ارائه خواهد شد.

(۲) نگارنده در گردآوری اثر حاضر با یک‌سری واژه‌ها و اصطلاحات محلی روبه‌رو بود که با وجود اشتراک فرهنگی مناطق زاگرس‌نشین با همدیگر برای او که برخاسته از شرق زاگرس یعنی استان همدان و شهرستان ملایر است، مبهم بود. خداوند دوست گرامی و فرهنگ دوست و شکیا دکتر فرامرز زراعت‌پیمما همکار گرامی‌ام را که اهل بهبهان است و به فرهنگ زادگاه پناهی یعنی کهگیلویه کاملاً مسلط است سر راهم قرار داد و ایشان لغت نامۀ معیار و فرهنگ لغت نانوشته نگارنده در شرح چنین واژه‌هایی بود که توضیحات وی در پا نوشت مطالب به نام خودشان ثبت شده است.

(۳) در بازنگری نهایی، نگارنده تک‌تک پیام‌ها را با منابع چاپی آن‌ها تطبیق داد و اصل پیام‌های شاعر را که با نظر خودش و دخترش آنا در سه نشر دارینوش، الهام و آناپنا به چاپ رسیده‌اند، مبنا قرار داد؛ زیرا معتقد است که کلام شاعر بدون تحریف چاپ شود. به عبارتی در شعر نباید سلیقه افرادی چون ناشر و نگارنده و ویراستار دخیل شود که در چاپ اول چندین مورد اتفاق افتاده بود.

(۴) باز هم برای انعکاس ادای دین و احساس تکلیف نگارنده در زمینه اطمینان از درستی کار حتی منبع چاپ هر پیام با نام کتاب، سال انتشار و شماره صفحه آن کنترل شد. به همین دلیل به تعداد پیام‌های چاپ شده در این اثر به منابع چاپی مراجعه داشته‌ام که بالای هزار مرتبه بوده

است. برای رفع این نقیصه استخراج شماره صفحه درست چند مطلب، با مشکل روبرو شدم زیرا شماره صفحه چاپ شده در چاپ اول مطابق واقعیت نبود که با کنترل صفحه‌های پیش و پس از آن یا با مراجعه به همان شماره صفحه یا صفحه‌ها در کتاب‌های دیگر پناهی مطلب را می‌یافتم و منبع اصلی و درست آن را درج می‌کردم. برای استخراج نشانی درست مطلب: «در جدالم با عقل، روسیاه تناقضاتم که هنوز نتوانسته‌ام برایش جوابی پیدا کنم»؛ که در زیر عنوان «۲۵. فلسفه و حکمت» به نام کتاب بی‌بی‌یون صفحه‌های ۶۷ و ۶۸ چاپ شده بود، در بازنگری نهایی این مطلب در آن صفحه‌ها و صفحه‌های پس و پیشش یافت نشد. بدین سبب گردآورنده خسته نشد و همه آثار چاپ شده از پناهی را تورق کرد و آن را نیافت. سرآخر بر کتاب بی‌بی‌یون که حجیم‌ترین اثر چاپی پناهی (۳۷۵ صفحه) است، متمرکز شد و با مطالعه مروری این اثر از اول تا آخر متوجه شد که مطلب مزبور در پایان کتاب و صفحه‌های ۳۶۷ و ۳۶۸ است. البته این بازنگری‌ها برکت‌هایی از جمله اصلاح مطالب پیشین و افزوده شدن چندین پیام جاندار جدید به کلیت کار را دربرداشت که موجب رفع خستگی و شادابی گردآورنده شد.

(۵) هر چند که چارچوب نهایی کار در یکشنبه ۱۴ امرداد ۱۳۹۸ بسته شد و گردآورنده آن را تاریخ پایان کار این اثر می‌داند. و تغییرش نمی‌دهد ولی بازنگری دقیق و نهایی مطالب تایپ شده در روز دوشنبه چهارم فروردین سال ۱۳۹۹ به پایان رسید. این تاریخ تقریباً پایان دوره بیماری یک ماهه ناشی از آنفلوآنزای مزمن و مشکوک به کرونا است که با کوفتگی بدن، بی‌حالی و بی‌رمقی، بی‌اشتهایی، لرز و عرق سرد مداوم گردآورنده مطالب همراه بود. این مدت تقریباً با فراگیری بیماری جهانگیر (پاندمی) کرونا یا کوید ۱۹ مصادف بود که موجب ابتلای تعداد زیادی از هموطنان و جان باختن جانسوز و غربانه عده‌ای از آن‌ها شد

که کفن و دفن و بزرگداشت آن‌ها بسی غریبانه‌تر از درگذشتشان بود. منظور آنکه کار بازنگری نهایی دو اثر پلی به نام معلوم دری به ناممکن و هزار پولک بلور در دوران بیماری و خانه‌نشینی نگارنده انجام شد. امید که خداوند این تلاش فرهنگی همراه با زجر را مقبول درگاهش قرار دهد. این کار در جلب خاطر و کسب رضایت علاقه‌مندان به اندیشه‌های نوین و همراه با لطافت حسین پناهی توفیق لازم را کسب نماید و خاطره وجود آن نازنین سفرکرده را زنده و پایا نگه داشته باشد. انشاءالله.

ارادتمند و خاک پای اهل قلم: حسن رضا رفیعی

تهران: شهر جدید اندیشه - یکشنبه ۱۴ آموداد ۱۳۹۸

www.ketab.ir

۱. قابل توجه آنکه در زبان پهلوی باستان، واژه مرداد به معنی مرگ و مردن و آموداد مخالف آن و به معنی جاودانگی و زندگی همیشگی است. نام ماه دوم تابستان آموداد به معنی جاودانگی و کاربرد آن به صورت ناصحیح مرداد غلط مصطلح است که باید با فرهنگ‌سازی اهل قلم و ترویج آن توسط سازمان‌های فرهنگی، مانند صدا و سیما و فضای مجازی و مطبوعات این مشکل را حل کرد. پایان اصلاحات ویراست دوم پلی به ناممکن دری به ناممکن در روز یکشنبه ۱۴ آموداد ۱۳۹۸ انجام شد که همزمان با سالروز درگذشت تلخ حسین پناهی این اندیشه‌مند نازک خیال و ظریف‌اندیش و شگفتی‌ساز زمان ما بود که نگارنده این حسن تصادف را به فال نیک می‌گیرد.